شین شل شنونده

نویسنده : علیرضا

شین مثل شنونده

مقدمه

هدف از نگارش ((شین مثل شنونده)) در مرحله اول ایجاد پیوندی مستحکم بین شنونده های موسیقی هیپ هاپ و ((درست گوش دادن)) و در مرحله ی بعد آشنایی آنها با روش صحیح ((نقد کردن)) میباشد .

" آنچه فراوان است شنونده برای شنیدن و خواننده برای تولید موسیقی "

امّا این کافی نیست . هیپ هاپ فارسی و خصوصا بخش مورد نظر ما یعنی "موسیقی رپ" را زمانی میتوان به عنوان سبکی هنری ، پخته و جاافتاده شناخت که بتواند دنبال کننده ها و شنونده های حرفه ای خود را در تمامی ابعاد همانند موسیقیای ، محتوایی ، اخلاقی ، فرهنگی و ... ارضا کند . متاسفانه این ویژگی مدت هاست که به شکل صحیح در جریان نیست و در این مدت شاهد آن بودیم که اکثر شنونده های حرفه ای رپ از رپ فارسی دل کنده و بار سفر به موسیقی هیپ هاپ آمریکا یا دیگر سبک های موسیقی بسته اند . علت این امر با فاکتور گرفتن بُعد سلیقه ، به ناکارآمدی هیپ هاپ فارسی برمیگردد . برای آنکه رپ فارسی بتواند به سطحی برسد که به مزاج شنونده های حرفه ای خوش آید نیاز است در تمامی ابعاد حرفه ای شود . برای محقق شدن چنین اهدافی نیز نیاز است که شنونده های این سبک برای خود شخصیت و برای گوش های خود ارزش قائل شوند . هر آهنگی را نپذیرند ، با هر شرایطی سازگار نشوند و منتقد خوبی باشند تا خواننده را وادار به رفتار حرفه ای و افزایش سطح کیفی تولیدی خود کنند .

در این نوشتار بعد از بررسی مختصر رابطه ی " موسیقی و انسان " به بررسی ارتباط حسی شنونده و موسیقی میپردازیم ، سپس با محتوای فنی موسیقی رپ آشنا شده و در نهایت نحوه صحیح نقد کردن را بیان میکنیم .

باتشکر – علیرضا

۱۳۹۳/۷/۶

فـــهـــرســـت

موسیقی و انسان (ص ۳)	شنونده ، عادی یا حرفه ای ؟ (ص ۴)
اصولی گوش دادن – ارتباط حسی (ص ۵)	هیپ هاپ و موسیقی هیپ هاپ (ص ۸)
محتوای فنی - لیریک (ص ۹)	قافیه و انواع آن (ص ۱۰)
محتوا – ابزار محتوا (ص ۱۵ – ص ۱۹)	روش صحیح نقد و بررسی (ص ۲۲)

موسیقی و انسان

موسیقی ، هنر در هم آمیختن اصوات و تزریق آن به روح و روان *

بیشینه ی تاریخی این هنر به میانه ی دوره ی پارینه سنگی قدیم تا قبل از آغاز دوره ی نوسنگی (حدود ۵۴۰۰۰۰ هزار تا ۱۲۰۰۰ هزار سال ق.م) برمیگردد ، همان زمانی که انسان ها به تقلید از اصواتی که از دل طبیعت بیرون می آمدند با تنظیم و هماهنگی میان اصوات هنجره خود اولین آواز های پایه را سرمیدادند . پس از آن از حدود ۱۲ هزار سال ق.م بشر موفق به ساخت ابزاری شد که موسیقی تولید میکردند و بعد از آن بود که تاثیر موسییقی در زندگی انسانها سرعت شگرفی گرفت . آنچنان که در حال حاضر موسیقی بخش جدانشدی از زندگی انسان هاست و میتوان از آن به عنوان زبان مشترک انسان ها یاد کرد .

موسیقی برای شنیدن است ، برای زندگی کردن

به تعریف بزرگان این هنر ، موسیقی محرکی قوی برای احساسات آدمیست ، گواه این مطلب را میتوان از دوران کهن تابحال در تاثیر این هنر گوشنواز بر زندگی انسان ها ، عقاید آنان و وقایع تاریخی به وفور یافت .

محرکی که میتواند بخنداند ، بگریاند ، شادی القا کند ، غم ، هیجان ، خشم و الی آخر را

محرکی که به روح و ران آدمی تزریق میشود و احساس میبخشد .

* تعریف علمی و تئوری موسیقی نیازمند علم کافی و بحثی مفصل است ، با توجه به اینکه هدف ما از نگارش این متن چیز دیگری است نه تعریف موسیقی ، تنها به همین تعریف " ذوقی " بسنده کرده ایم .

شنونده ، عادی یا حرفه ای ؟

موسیقی هنریست شنیداری ، اگر شما برای خودتان ، احساسات ، شخصیت ، روح ، روان و زمانی که برای گوش دادن به موسیقی میگذارید ارزش قائل باشید ، برای شنیدن نیازمند اصول خواهید بود .

درست متوجه شدید ، شنیدن هم اصول دارد . شاید شنیدن این جمله موجب تعجبتان شود یا حتی به قولی بساط خنده را برایتان محیا کند . اما حقیقت این است که برای شنیدن هم نیازمند چارچوبی مشخص هستید تا بتوانید خوب را از بد و خوب تر را از خوب تشخیص بدهد . نیازمند ((اصولی شنیدن)) هستید تا بتوانید کمال لذت را از شنیدن یک قطعه موسیقی تجربه کنید . البته قصد ما آموزش تئوری شنیدن برای تشخیص نت ها ، فاصله ی بین آنها و دیگر مسائل تخصصی مورد نیاز برای موزیسین ها نیست هرچند فراگیری این مباحث خالی از لطف نمیباشد اما هدف اصلی ما بررسی اصول شنیدن برای شنونده های حرفه ای موزیک هیپ هاپ است .

" اصولی گوش دادن " تفاوت یک شنونده عادی با یک شنونده حرفه ای

همانطور که مشاهده میشود در حال حاضر اکثر شنونده ها فقط " گوش میدهند " یا درواقع بهتر است بگوییم فقط " گوش را میدهند " اما در این بین عده ای هستند که نه فقط گوش بلکه ذهن ، روح و احساسات خود را با موسیقی درهم می آمیزند . تفاوت این دو قشر در لذتی است که از شنیدن یک قطعه موسیقی میبرند و اندیشه و تفکری که پای آن میگذارند . برای کسانی که هنوز " اصولی گوش دادن " را تجربه نکرده اند ، ممکن است این بیانات و توصیفات بی معنی باشد و با خود بگویند: ((ما که گوش میدیم کلی لذت میبریم ، گریه میکنیم ، شاد میشیم و الی آخر)) تا حدودی آنچنان هم بیراه نمیگویند ، آنها لذت میبرند اما نه کمال لذت را . بی شک اینگونه تفکرات از عدم تجربه ی لذت بالاتر نشآت میگرد . هیچ ایرادی ندارد که شما یک شنونده عادی باشید ، هر طور که دوست دارید بشنوید و زندگی کنید اما بعید به نظر میرسد که بخواهید میل باطنی و فطری خویش ، برای دانستن و تجربه کردن بهترین ها را سرکوب کنید . پس برای خود مرز تعیین نکنید ، به آن سطح از آگاهی که دارید ، قانع نباشید و " محدودیت " را به فراموشی بسپارید . البته این را هم باید در نظر گرفت ، زمانی که شما با " اصولی گوش دادن " آشنا شوید و آنرا تجربه کنید ممکن است دیگر بمانند قبل از گوش دادن به هر آهنگی لذت نبرید و با هر آهنگی ارتباط برقرار نکنید .

به هر صورت من شخصا " دانستن و آگاه شدن " را به " نداستن و آگاه نشدن " ترجیح میدهم هرچند ممکن است امتیازاتی را از من سلب کند . اینکه دیدِ شما نسبت به این موضوع چگونه است را خودتان میدانید و بس

اصولی گوش دادن (ارتباط حسی)

حال آنکه با چرایی " اصولی گوش دادن " و تفاوت شنونده عادی و حرفه ای آشنا شدیم در چند بخش به بررسی این اصول میپردازیم . البته قبل از ورود به این مبحث لازم است نکته ای را بیان کنم که این اصول افعالی امری نیستند و همانطور که پیش تر گفتیم هیچ اجباری در پذیرش آنها نیست همچنین باید خاطرنشان شوم که تمامی این اصول تنها برای یک قطعه موسیقی صدق نمیکنند و باتوجه به شرایط ، سبک و فضای خاص هر کدام از اصول گفته شده کاربرد خاص خود را بروز میدهند . به طور کلی این اصول در دو بخش " برقراری ارتباط حسی و شناخت فنی موسیقی " خلاصه میشوند .

خوشبختانه برقراری ارتباط حسی با موسیقی در فطرت آدمی جریان دارد و اکثر شنونده ها تا حد زیادی از این جهت غنی و پربار هستند . برقراری ارتباط حسی بین شنونده و یک قطعه موسیقی با سطح آگاهی و شناخت شنونده از احساسات خویش رابطه ی مستقیم دارد . اینکه شنونده بداند از چه نوع موسیقی ای لذت میبرد نکته ای قابل توجه است . برای اینکار نیاز است شنونده فهرستی از احساسات خوشایند و ناخوشایند را در ذهن خود داشته باشد و در انتخاب نوع موسیقی و فضای القایی آن دقت کند تا در برقراری ارتباط حسی با آن دچار مشکل نشود . البته این بدان معنا نیست که شنونده خود را به فضایی خاص محدود کند و سبک هایی از موسیقی که ممکن است برایش ناخوشایند باشند را برای خود قدغن کند بلکه هدف کنترل و شناخت احساسات برای برقراری ارتباط حسی بهتر است .

رهایی ذهن و روح

برای برقراری ارتباط حسی بهتر چ باید کرد ؟؟

پاسخ در مهم ترین اصل یعنی گوش دادن است . شنونده برای اینکه بتواند کمال لذت را از شنیدن یک قطعه موسیقی ببرد نیاز است نه فقط گوش بلکه ذهن ، روح و روان خود را نیز در اختیار قطعه موسیقی مورد نظر قرار دهد . در گوش دادن دقت کافی داشته باشد و در ذهن ، آن قطعه موسیقی را لمس و در آن غوطه ور شود . زمانی که شنونده خود را تسلیم یک قطعه موسیقی کند و خود را میان اصوات رها کند میتواند لذت و زیبایی غیرقابل وصف هنر موسیقی را تجربه کند .

شرایط

مطمئنا تابحال زیاد برایتان پیش آمده که یک آهنگ تنها پس زمینه لحظه هایتان است و شما درحال رسیدگی به کارهای خود هستید ، این تجربه درواقع همان گوش دادن عادی است . این نوع گوش دادن در نوع خود جالب است اما زمانی جالب تر میشود که موسیقی جزئی از روح و روان شده باشد . از طرف دیگر مطمئنا تجربه گوش دادن به یک آهنگ آرامش بخش در زمانی که ذهن آرام است و هنگامی که چشمانتان بسته اید را هم تجربه کرده اید . بی اغراق این تجربه بسی لذتبخش تر است از زمانی است که چشمانتان باز ، ذهنتان مشغول و اطرافتان شلوغ است . این همان تفاوتی است در رابطه با کمال لذت و لذت عادی بیان کردیم . اما چ چیزی باعث میشود آن تجربه لذت بخش تر باشد ؟؟ شرایط !

این شرایط میتواند شامل شرایط محیطی ، وضعیت روحی (حس غالب) ، وضعیت جسمانی ، فکری و دیگر وضعیت های تاثیر گذار باشد .

شرایط محیطی : اتاق تاریک و خالی ، پیاده روی در شب ، قبل از خواب ، نیمه شب و بسی شرایط مثال زدنی دیگر که میتوانند تجربه لذت بخشی را برای شما به ارمغان بیاورند اما نکته ای اساسی که درکنار تشخیص شرایط حائز اهمیت است ، اینست که بدانیم در آن شرایط چه کنیم . یعنی زمانی که در حال پیاده روی شبانه هستید چه نوع موزیکی میتواند لذت بخش تر باشد یا به قولی در آن لحظه چ میطلبد . این نکته نه فقط برای شرایط محیطی بلکه برای الباقی شرایط نیز نکته ای اساسی است .

یک مثال برای شرایط محیطی : بنده شخصا برای گوش دادن به یک قطعه پیانوی حزن آلود ترجیح میدهم نیمه شب و تنها درفضای تاریک اتاق از آن موسیقی لذت ببرم نسبت به هر مکان و زمان دیگری ...

وضعیت روحی : حس حزن آلود و تلخی تمام وجودتان را فرا گرفته است ، میخواهید از دستش خلاص شوید یا در آن غرق شوید ؟؟ حس شادی و هیجان تمام وجودتان را فرا گرفته ، میخواهید از دستش خلاص شوید یا هر چ بیشتر در آن غرق شوید ؟؟ خوشبختانه هنر موسیقی هر دو را ممکن ساخته است .

موسیقی ولواینکه محرک احساسات است ، میتواند آنها را سرکوب و با احساسی نو جایگزین هم بکند . این امکان زمانی در اختیار شما قرار میگیرد که در برقراری ارتباط حسی موفق باشد . حال انتخاب با شماست . اینجاست که میتوانید از فهرست احساسات خوشایند و ناخوشایند خود استفاده کنید و با هنر موسیقی شما میتوانید احساسات خود را کنترل کنید البته ناگفته نماند که ویژگی محرک بودن موسیقی قوی تر از ایجاد تغییر آن است . به صورت پیشفرض رهایی از غم خواسته ی هر انسانی است اما گاهی روبه رو شدن و غرق شدن در آن میتواند بسی لذت بخش باشد . این موضوع برای الباقی احساسات فطری انسان نیز صدق میکند . پیشنهاد میشود برای گوش دادن به یک قطعه موسیقی حتما وضعیت روحی را لحاظ کنید . زمانی که نیاز به آهنگی پرانرژی دارید سمت موزیک پرانرژی بروید . میخواهید شاد باشید ، آهنگ شاد گوش کنید . سعی کنید تا آنجایی که ممکن است متناقض عمل نکنید مثلا زمانی که شرایط روحی به هیچ وجه پذیرای آهنگ شاد نیست هرگز در آن لحظه سمت موزیک شاد نروید زیرا ممکن است حس آن لحظه تان چنان قوی باشد که موزیک شاد چاره ساز نباشد که هیچ ، باعث ایجاد حس تنفر نسبت به آن موزیک خاص نیز شود .

وضعیت جسمی و فکری : وضعیت جسمی و فکری با وضعیت روحی رابطه ای مستقیم دارند از این جهت تمامی نکات بالا برای وضعیت جسمی نیز صدق میکند .

موسیقی برای احساسات یا احساسات برای موسیقی ؟؟

همانطور که در چند سطر پیش گفتیم این را شما تعیین میکنید . این شمائید که بر اساس شرایط و نیازهای خودتان تعیین میکنید که موسیقی را برای تقویت حس غالب لحظه تان بکار بگیرید یا آن را سرکوب کنید احساسی نو ایجاد کنید ! ناگفته نماند که این را هم باید در نظر گرفت زمانیکه یک شرایط روحیه خاص بر انسان غالب نیست نیازی نیست به دنبال این باشیم که الان در چ وضعیتِ روحی ای هستیم . در آن شرایط به لطف ویژگی ایجاد احساسات هنرموسیقی میتوانیم بر اساس سلیقه و علاقه خود با ایجاد احساسی خوشایند از آن لذت ببریم .

در آخر این موضوع نیز فراموش نشود که شرایط را قطعا باید خودتان بر اساس سلیقه ، شخصیت و احساساتتان تعیین کنید اما در این بین باید موارد دیگری را هم لحاظ کنید که در ادامه بدان خواهیم پرداخت همچنین پیشنهاد میشود برای زمانی که صرف گوش دادن به موسیقی میکنید ارزش قائل شوید ، در هر زمان و هر مکانی خود را با موسیقی سرگرم نکنید زیرا تداوم این امر سبب دلزدگی میشود .

هیپ هاپ و موسیقی هیپ هاپ

قبل از ورود به بحث محتوای فنی اندکی با ماهیت هیپ هاپ آشنا میشویم . خوشبختانه در رابطه با تاریخچه هیپ هاپ و ورود آن به ایران مقالات مفیدی به زبان فارسی موجود است به همین جهت ما به اختصار به آن میپردازیم . متاسفانه با اینکه شفاف سازی های زیادی در رابطه با چیستی هیپ هاپ صورت گرفته است اما بازهم گاهی هیپ هاپ ، موسیقی هیپ هاپ و البته emceeing (عمل رپ کردن) یکی پنداشته میشوند که در حقیقت به هیپ وجه اینگونه نیست و هر سه باهم تفاوت دارند .

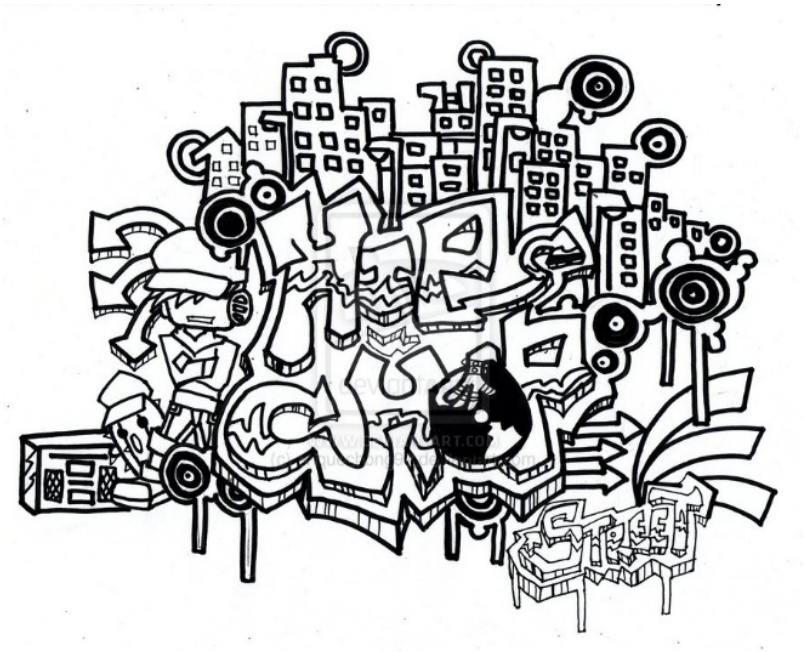

هیپ هاپ یک سبک زندگیست ، فرهنگی متشکل از چهار هنر ارزشمند با زمینه ای خیابانی شامل : ام سی اینگ – گرافیتی - برک دنسینگ - دی جی اینگ

اینها چهار عنصر اصلی فرهنگ هیپ هاپ هستند گاهی در کنار آنها و گاهی به عنوان زیرمجموعه ای از آنها هنرهای متنوعی چون سمپلینگ ، بیت باکسینگ و ... نیز جریان دارند . محور کلی این فرهنگ بیان عقیده ، بیان اعتراض به خصوص نسبت به تبعیض نژادی ، ایجاد یک سبک زندگی و البته سرگرمی بوده است که با گذر زمان دستخوش تغییراتی اساسی شده و درحال حاضر بیشتر جنبه سرگرمی و تجاری آن مورد توجه قرار گرفته است .

Emceeing یا همان عمل رپ کردن که زیرمجموعه ای از فرهنگ هیپ هاپ و ستون فقرات موسیقی هیپ هاپ است.

و درنهایت موسیقی هیپ هاپ (Hip Hop Music) که یک سبک موسیقی در موازات فرهنگ هیپ هاپ است و خود دارای ژانر ها و سبک های فراوان است . زادگاه موسیقی رپ یا همان موسیقی هیپ هاپ نیویورک آمریکاست و حدودا نیم قرن از تولد آن میگذرد .

اصولی گوش دادن - محتوای فنی

در صفحات قبل بیشتر تمرکز ما بر روی مبحث " ارتباط حسی " بود که با توجه به اینکه بحثی فطری و ریشه دار در طبیعت انسان است میتوان گفت اکثر شنونده ها از آن جهت غنی و پربارند اما مسئله ای که اکثر شنونده ها در آن سررشته ای ندارند " محتوای فنی " است . هر سبکی از موسیقی " محتوای فنی " خاص خود را داراست و سبک مورد بحث ما رپ نیز از این قاعده مستثنا نیست . قبل از ورود به این بحث هم باز تاکیید میکنم که هیچکدام از اصولی که درموردشان صحبت میکنیم افعالی امری نیستند . لازم نیست همه شنونده های رپ بدانند ضرب ، فلو ، تکنیک و ... چیست اما اگر بدانند و با علم به محتوای فنی آن به یک موزیک رپ حرفه ای (نه هر آهنگی) گوش فرا دهند ، بدون شک چندین برابر لذت خواهند برد همچنین برای بحث " نقد حرفه ای " که در ادامه با آن آشنا میشویم ، تسلط به محتوای فنی لازم است . در همین راستا سعی میشود این بخش را از ابعاد مختلف بررسی کنیم .

مبانی پایه یک آهنگ رپ

بعد از آشنایی مختصر با هیپ هاپ و موسیقی رپ میخواهیم مبانی پایه یک آهنگ رپ را بررسی کنیم .

یک آهنگ رپ به بیان ساده شامل درهم آمیخته شدن یا همان میکس ووکال خواننده (رپ کردن رپر- لیریک – فلو – استایل – ریتم) و بیت (Instrumental - Beat - به بیان عامیانه همان آهنگ خالی بدون ووکال خواننده که دارای ریتم و ملودی میباشد) است .

لیریک (lyric)

لیریک ، شعر یا همان متن آهنگ است . سبکی همانند پاپ دارای لیریکی متشکل از ابیاتی کوتاه و در حد چند کلمه است که خواننده با کشیدن و اضافه کردن ملودی به آنها فضای آهنگ را پر میکند اما در مورد لیریک رپ داستان کاملا متفاوت است .

" لیریک رپ ، سرزمین کلمات و سیلاب های هم وزنی است که با اجرای ریتم دار ، کوبنده و شناور رپر همراه میشود برای خلق یک آهنگ رپ "

ساختمان لیریک رپ درحالت پیش فرض به صورت زیر است :

Intro-Verse-Chorus-Verse- Bridge-Chorus-Outro

در ابتدای آهنگ اینترو (Intro) قرار میگیرد که به عنوان مقدمه آهنگ تلقی میشود سپس ورس که میتواند هشت الی دوازده یا شانزده خط یا Bar (ابیات دارای قافیه و وزن) را در خود جا دهد . سپس Chorus که به نوعی جدا کننده ورس ها از هم میباشد قرار میگرد که آن هم میتواند شامل تکرار دو یا چهاربیت ، ریتمیک یا ملودی وار باشد . بعد از اینکه ورس دوباره قرار گرفت Bridge میتواند به عنوان پل ارتباطی بین ورس و کروس یا کروس و ورس قرار بگیرد و در نهایت اویترو که پایان آهنگ تلقی میشود .

این ساختار به عنوان مثالی پیش فرض و استاندارد برای توضیح چگونگی ساختمان یک موزیک رپ بیان شد و لازم نیست ساختمان یک آهنگ رپ حتما به همین ترتیب باشد و امکان جابجایی و نوآوری در ساختار آن فراوان است .

اندر احوالات رپ فارسی (۱)

در رپ فارسی برای اصطلاحات موجود در رپ واژه های معادلی به عنوان واژگان فارسی جایگزین شده که علاوه بر اینکه برای واژه معادل بودن مناسب نیستند و معنای آن واژه به درستی بیان نمیکنند حتی بعضا واژه ای فارسی نیز تلقی نمیشوند چ بسا توصیه میشود که از همان لغات اصلی استفاده شود .

مثال : کلام (لیریک - lyric) – همخوان (کروس – Chorus)

" کلام " را واژه ای معادل برای لیریک بیان میکنند . لیریک ، لغتی خاص به معنای متن یک ترانه یا آهنگ است که یادآور متنی شامل کلمات وزن دار و قافیه دار ! اما " کلام " به معنای سخن و گفتار است و کوچکترین ارتباطی با متن ترانه آن هم متنی که وزن و قافیه از اصول پایه آن است ندارد و نمیتواند داشته باشد همچنین ریشه واژه " کلام " عبری است نه فارسی .

" هم خوان " که معنای لغوی آن در دستور زبان فارسی ، صامت و گُنگ است . البته این واژه میتواند گاهی با توجه به معنای دیگرش اندکی کاربرد داشته باشد آن هم زمانی که Chorus را دو یا چندنفره اجرا کنند . اما در حالت عادی که اجرای کروس تک نفره است این لغت هیچگونه کاربردی ندارد .

" ضربآهنگ " ، همانطور که از ظاهر واژه پیداست یعنی ضربِ آهنگ . بعضی از منابع فارسی آن را همسان با ریتم قرار داده و برخی آن را با تمپو (سرعت ریتم) یکی میداند . به هرصورت واژه ضرب آهنگ در فارسی جزئی از کلیت بیت (Beat - Instrumental) میباشد و نمیتواند معنای Beat را یدک بکشد .

کسانی که چنین واژه هایی را در رپ فارسی باب کرده اند به احتمال فراوان این لغات را در google translate وارد کرده و ترجمه آن را به عنوان واژه معادل در نظر گرفتند . ممکن است اکثر ترجمه ها صحیح باشد اما ایرادی که به این جریان وارد است به آن جهت است که ترجمه ی این لغات در زبان فارسی معنا و مفهومی متفاوت از آن چیزی دارند که واژه های اصلی تعریف میکنند چ بسا بهتر است که از همان واژه های اصلی به جای معادل غلطشان استفاده شود .

اجزا و محتویات لیریک رپ

قافیه (Rhyme) و انواع آن

تصور عام از قافیه یا همان رایم (Rhyme) ، معمولا کلماتی هم آهنگ و هم وزن است که در پایان مصرع های موازی قرار میگیرند . از این تعریف و نحوه قرارگیری قافیه در ابیات ، میتوان به عنوان حالت پیش فرض قافیه گذاری یاد کرد . به طور کلی رایم ها (کلمات هم وزن) انواع مختلفی دارند و نحوه قرارگیری آنها در ابیات نیز میتواند متغیر و متفاوت از آن چیزی که تصور میشود ، باشد و تنها محدود به قافیه اخر مصرع های موازی نیستند .

قافیه ابتدایی : این نوع قافیه بنا بر تعریف ادبی آن ، درواقع قسمت تکرار شونده از آخرین کلمه مصرع های موازی است . ابتدایی ترین و ساده ترین نوع قافیه که نمونه های از آن را در شعر کهن فارسی به وفور میتوان یافت . در این نوع قافیه اگر کل کلمه در مصرع های موازی عینا تکرار شود " ردیف " تلقی میشود .

مثال ، اگر لغات زیر را آخرین کلمات مصرع های موازی در نظر بگیریم :

پاسبان – خیابان : بان (ب الف نون) قافیه بیت میباشد / لنگ – تنگ : نگ (نون و گاف) اینجا قافیه بیت میباشد .

قافیه تک سیلابی : تعریف نوین قافیه دیگر بمانند بالا تنها قسمت تکرار شونده ی یک کلمه نیست . قافیه میتواند هم به تنهایی خودش یک کلمه باشد و هم میتواند قسمتی از یک کلمه باشد . تفاوت دیگر این نوع قافیه در شرط " تکرار" است ، شرط این نوع قافیه هم وزن بودن است در عین حال که تکرار بخشی از کلمه قافیه نیز اشکال تلقی نمیشود . ساده ترین نوع این سبک قافیه ، تک سیلابی (تک هجایی یا تک بخشی) است .

رفت – بند : جفت لغات تک سیلابی و هم وزن (Raft – Band) و در نهایت قافیه اند . این مدل قافیه را با عنوان ((تک قافیه)) نیز معرفی میکنند .

پاسگاه – ساختمان : یکی از این کلمات دو سیلابی (پاس – گاه) و دیگری سه سیلابی (ساخ – ت – مان) میباشد اما همانطور که مشاهده میشود قسمتی از هر دو لغت هم وزن و هم آهنگ است (مان – گان : Man – Gan) پس هر دو واژه قافیه محسوب میشوند .

قافیه دو سیلابی : دوسیلابی بودن این نوع قافیه ها میتواند تنها در یک یا دو کلمه میتواند خلاصه شود و در اشعار ابتدایی موسیقی رپ بیشتر از این دسته قافیه ها استفاده میشد .

۱-هیچکدوممونم نیستیم بیکار - در حال ساخت و ساز ایران (هیچکس – ی روز خوب میاد)

بیکار – ایران : هر دو واژه دوسیلابی (بی – کار : ای – ران) و هم وزن اند . این نوع قافیه هرچند دوسیلابی است اما چون هر دو سیلاب در یک لغت اجماع شده است ((تک قافیه)) تلقی میشود .

۲-آخه بابا باغت آباد منو درکم کن - نگو جلوی راه وایستادی آقا حرکت کن (یاس – درکم کن)

درکم کن – حرکت کن : درکم و حرکت (در+کم – حر+کت) دو واژه ی دوسیلابی و هم وزن که قافیه بیت بالا تلقی میشود . ((کن)) در مصرع های موازی نیز ردیف میباشند .

۳-و توی پول چیزی به اسمه وفا گمه - گذشت وقتی که می گفتند مهم تفاهمه (یاس – درکم کن)

وفا گمه – تفاهمه : در مصراع اول " وفا و گمه " دو لغت جداگانه و تک سیلاب اند که در موارات واژه ی " تفامهمه " در مصراع دوم جفت سیلاب و هم قافیه تلقی میشوند .

قافیه چند سیلابی : اهمیت قافیه در زیبایی و موزون کردن لیریک رپ موجب آن شد که قافیه های چندسیلابی با عنوان ((جفت قافیه ای و چند قافیه ای)) رواج پیدا کنند . این دسته از سیلاب ها میتوانند از یک کلمه تا چندین کلمه را شامل شوند که معمولا در " دو یا سه " واژه ی " دو تا هشت سیلابی " خلاصه میشوند .

مثال :

۱-اینجا ایران ی گربه **هفت هزار ساله** – که زنده است تا وقتی که **نفت خام داره** (بهرام – اینجا ایران | آلبوم ۲۴ ساعت)

هفت هزار ساله – نفت خام داره : همانطور که مشاهده میکنید آخر مصراع اول ((هفت هزار ساله)) با ((نفت خام داره)) در مصراع دوم هم وزن و هم آهنگ و هم قافیه است . سه لغت که جمعا به پنج سیلاب تقسیم شده اند .

تقسیم بندی سیلاب ها : " Haft-He-zar-Sa-le = Naf-te-kham-da-re "

۲-ملت خلاف میکنن تا برن زندون واسه جایه خواب – خیلی ها وقتی مردن عکسشون بدرقه نشد بایه قاب (بهرام – نامه ای به رئیس جمهور)

جایه خواب – بایه قاب : جفت قافیه ایه سه سیلابی . جا+یه+خواب = با+یه+قاب

۳-با من قدم بزن رفتن تقدیر پاهاته / سکون مرگ انسان بودنه ، حرکت دلیله آغازه (علی سورنا – با من قدم بزن | آلبوم آوار)

یک بیت سه قافیه ای و هشت سیلابی

رف+تن+تق+دی+ره+پا+ها+ته = ۸ سیلابی = حر+کت+دَ+لی+له+آ+غا+زه

سیلاب های تاکیدی : هر کلمه میتواند شامل یک تا چند سیلاب باشد . آن سیلابی که در گفتار بر رویش تاکید میشود را سیلاب تاکیدی میگویند . معمولا تاکیدی بودن سیلاب ها با نوع بیان ، لهجه و گفتار شخصی فرد ارتباط دارد و میتواند برای هر شخص متفاوت باشد . بیان کردن سیلاب های تاکیدی بر روی هر یک از چهار ضرب اصلی سبب ایجاد و حفظ ریتم میشود .

چیدمان قافیه

تا بدین جا با انواع قافیه بر حسب تعداد سیلاب آشنا شدیم . در مثال های بالا تنها قافیه های آخر مصراع ها را بررسی کردیم اما این نکته را نباید نادیده گرفت که رایم (Rhyme – کلمات هم وزن) محدود به قافیه های آخر بیت (خط یا Bar) نیست .

در اکثر موزیک های رپ هر بیت (خط – Bar) برابر است با چهار ضرب ، با قرار دادن کلمات بر روی این چهار ضرب یک بیت (خط) ایجاد میشود البته گاهی مثلا با استفاده از تکنیک مکث یکی از ضرب ها خالی از کلمه میماند که جلوتر در مورد آن نیز بحث خواهیم کرد . رایم ها (Rhymes) را میتوان بر روی هرکدام از این چهار

ضرب سوار کرد ، پس میتوان گفت محدودیتی برای لیریک رپ در در رایم چینی وجود ندارد . با ذکر چند مثال بحث رایم چینی را پیش میبریم .

یک	دو	سه	چهار
به چی اعتقاد داری ؟	به عشق یا نفرت	به چی اعتقاد داری ؟	به علم یا ثرت
و توی پول	چیزی به اسمه وفا گمه	گذشت وقتی که می گفتند	مهم تفاهمه
من هنوز یادمه تو رو	می دیدم دم کتابخونه	ورق کتابا خیس بود	اون اشک چشام بودش
سلمونی نرو	با ما بد باش فقط	میزنیم کله تو	باشی حتی کچل

در نمودار بالا طرز قرارگیری واژه ها بر روی چهار ضرب اصلی را با همان سبک قافیه چینی که قبلا در موردش صحبت کردیم مشاهده میکنیم . همانطور در جدول بالا مشخص است ضرب دو و چهار بیشترین کاربرد را برای قافیه گذاری دارند . این سبک رایم چینی رایج ترین سبک رایمینگ در رپ فارسی است .

چند نمونه رایمینگ متفاوت در رپ فارسی

۱- سُر و مُرو گنده. تو برو روضه - شب جمعه تا جمجمه پر شه

دیرو ، می‌روندی نیسان گاوی / آبی ولی حالا پشت پورشه

(علی قاف – مغز)

این دو بیت هم درکنار قافیه آخر مصرع ها ، برای بهتر شدن وزن لیریک رایم های دیگری هم بکار برده است . برای مثال : گاوی و آبی – دیرو و میروندنی که با وزن متفاوت از قافیه آخر مصرع در بیت دوم قرار گرفته اند ، اصطلاحا به این نوع رایم ها ، رایم های درونی گفته میشود .

۲- نبر منو از یادت هر وقت / که پای ورق / مینوشتم پایه ای یا نه واسه وطن

میخوام امشب با من قدم تو راهه کجم بذاری / منم یه / لجن که / برگشته / برعکسه

جماعتشو ، زیره لقد له میمونه سقطه / فقط یه / نفس کش که بحث ضد جنگه میگه نه غزه

یه تن لش که هست همه کاراش فقط شعر (بابک تیغه – هنوز پایه ای یا نه ؟؟)

نکته ی جالب در مورد ابیات بالا این است که رایم ها با اینکه پراکنده اند اما در عین حال دارای نظم و ریتم مناسب هستند . مصراع دوم بیت دوم نیز میتواند نمونه ای خوب از تکنیک قافیه بازی باشد . اگر دو بیت بالا را در نمودار چهار ضربی بگذاریم میبینیم که کلمات هم وزن بر روی ضرب های مختلف قرارگرفته اند . مثلا ضرب سه بیت اول با ضرب اول بیت دوم هم وزن شروع میشوند (می نوشتم – می خوام)

۳- کف گیره / نفتی که / رسید به / ته دیگ - هر کس به سمتی / در رفته وقت نیست

من میرم راهی که کجه تا ته / سخته با من / توش قدم گذاشتن پس بگو هنوز پایه ای یا نه ؟؟

(بابک تیغه – هنوز پایه ای یا نه ؟؟)

اگر با علم به چهارضرب بودن ابیات به لیریک بالا بنگریم ، میبینیم که علاوه بر قافیه های ثابت آخر مصراع ها (بیت اول : ته دیگ / وقت نیست | بیت دوم : که کجه تا ته – پایه ای یا نه) بین جمله نیز بر روی ضرب یک و سه ، چندین قافیه چیده شده است همانند نفتی که / رسید به | هرکس به سمتی – در رفته وقت نیست . همچنین بعد از قافیه پایانی مصراع اول بیت دوم ((کجه تا ته)) کلمه ی هم آهنگِ ((سخته با من)) آمده است که به آن اصطلاحا قافیه قرینه گفته میشود .

۴-بده بده نکش / اینو بهش میگیم و اینکه بده وضع مملکتش / به خاطره اونه همه سر به سرش

می‌ذاریم با اینکه خودمون عادتهای بد داریم که دیگه هستش وقت ترکش

کوتاه و بلندی مصرع و ابیات نیز دارای محدودیت نیست . همانطور که در لیریک بالا میبینیم که هیچکدام از مصرع ها نه با مصراع موازی خود و نه مصراع دیگری هم اندازه نیستند اما بااینحال ریتم حفظ شده است .

با توجه به مثال های بالا یحتمل تابحال متوجه شده باشید که ساختار لیریک رپ چقدر میتواند متغیر باشد . نکته ی آخر اینکه وزن و ریتم ابیات رابطه ی مستقیمی با رایمینگ و در مقابل سوار کردن سیلابی های تاکیدی بر روی هر یک از چهارضرب اصلی دارد . هر چه ابیات از نظر رایمینگ غنی تر باشند به موازات آن از بُعد وزن نیز پربار خواهند بود .

اندراحوالات رپ فارسی (۲) : متاسفانه نقش رایمینگ در رپ فارسی کم رنگ است . ساختار های لیریک در رپ فارسی دارای محدودیت و در مقابل تنوع اندک است . به طور کلی از نظر رایمینگ رپ فارسی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد . دسته اول که رایمینگ نسبتا خوبی را دنبال میکنند اما از آن طرف محتوا و معنا را قربانی میکنند همچنین فضای کاریشان از رپ واقعی فاصله زیادی دارد . دسته دوم معناگرایانی هستند که رایمینگ متوسط و رو به پایینی دارند و فن و رایمینگ را فدا میکنند برای معنا و مفهوم . البته در این بین افرادی هستند که حد وسط و اعتدال را دنبال میکنند اما متاسفانه در اقلیت اند .

محتوا (Content)

محتوا ، همان چیزی که در لیریک درباره ی آن صحبت میشود . لیریک نسبت به دیگر عناصر بیشترین سهم را در یک آهنگ رپ دارد . محتوا نیز در کنار بحث فنی ، اجزای جدانشدنی لیریک هستند . برای محتوای لیریک یک آهنگ رپ محدودیتی وجود ندارد ، رپکن میتواند از هر موضوعی برای ایجاد محتوای لیریک استفاده کند . گاها" ممکن است حتی موضوع محتوای لیریک با فضای آهنگ هم ارتباطی نداشته باشد اما عموما محتوا متناسب با فضا و ژانر آهنگ انتخاب میشود .

ژانرها و موضوعات رایج رپ فارسی

برای شناخت بهتر محتوا ابتدا نیاز است با ژانرهای مختلف رپ آشنا شد . ژانر یا همان سبک که دراینجا به معنای دسته بندی قطعات یک سبک موسیقی ، براساس مبناهای مختلف است . با توجه به محوریت این نوشتار و ضیق وقت ، فقط موضوعات کلی ، رایج و بعضی ژانرهای شناخته شده در هیپ هاپ فارسی را ، آن هم خلاصه وار بررسی میکنیم تا با محتوای کلی رپ فارسی آشنا شوید . در آینده ای نزدیک مفصلاً ژانرهای موسیقی هیپ هاپ و مخصوصا ژانرهای ناآشنا تر مانند Horrorcore ، Christian hip hop ، Trap ، Chopper ، Trip hop ، Rapcore و ... را معرفی خواهیم کرد .

پاپ – رپ (Pop-rap / Hip Pop) : ژانری از موسیقی هیپ هاپ که در آن موسیقی رپ با موسیقی پاپ تلفیق میشود .

آر اند بی – رپ (یا همان هیپ هاپ سول - Hip hop soul) : تلفیقی از رپ و آر اند بی (R&B)

لاو / دیس لاو : " لاو " همانطور که از نام آن پیداست مرتبط با مسائل عشقی و رابطه ی بین دو نفر است . فضای کاری این موضوع عموما پرانرژی ، احساسی و لایت (Light) است . " دیس لاو " بدون شک فراگیر ترین موضوع در رپ فارسی ، درکنار " گنگ " است . فراگیری آن سبب شده است که در رپ فارسی تبدیل به یک ژانر پایه رپ شود . محتوای آن عموما در رابطه با شکست عشقی و خیانت است و دقیقا میتواند درمقابل محتوای یک آهنگ " لاو " قرار بگیرد . عموما این دسته از آهنگ ها در رپ فارسی فضایی غمگین و حزن آلود دارند و محوریت محتوای آن بیشتر شبیه به محتوای موزیک های پاپ است ، البته در اکثر مواقع هم آهنگایی با این موضوع به صورت Hip Pop و Hip hop soul اجرا میشوند . موزیک های مشابه این سبک از آهنگ ها در هیپ هاپ آمریکا دارای خشونت بیشتر ، فضایی دارک (Dark) ، کوبنده و خشن است . محوریت محتوای آن نیز بیشتر بر مبنای تخریب طرف عشقی مقابل است .

گنگ - گنگستا رپ (Gangsta rap) : این ژانر را در ایران با واژه ی " گنگ " میشناسیم . محتوای آن عموما " مطرح کردن موضوعات خشن ، مخالفت با همجنسگرایی ، استفاده ابزاری از جنس زن ، دختر و سکس ، ادعا و کلکل لفظی ، تبعیض نژادی ، مخالفت با پلیس ، قتل ، نزاع و درگیری فیزیکی ، به رخ کشیدن ویژگی های فردی ، مصرف و فروش دخانیات و در کل بیان اعمال خلاف عرف " شامل میشود . البته در رپ فارسی بیشتر مانور محتوا بر روی " مصرف مواد و مشروبات الکلی - ادعا و کلکل لفظی – دختر و سکس " میباشد . نحوه بیان آن نیز

معمولا سرشارست از کلمات رکیک است . فضای این دسته از آهنگا در رپ فارسی خشن ، پرانرژی ، بعضا فانتزی یا لش است .

پارتی : این سبک آهنگ ها در رپ فارسی بسیار متفاوت از آهنگ های پارتی موجود در رپ آمریکا است . مشخصا محوریت این موضوع در ایران گفتن از مهمانی های شبانه ، گاها مسائل عشقی ، شادی و پارتی است با اندکی چاشنی گنگ در فضایی پرانرژی و ریتمیک

اجتماعی : در رپ فارسی محدود است به بیان مشکلات اجتماع در فضایی غمگین و تلخ

اعتراضی – سیاسی : بیان عقاید ، اعتراض به تبعیض ها و سیاست های غلط با بیانی عموما رُک ، کوبنده و خشن . رپ فارسی در پرداختن به این موضوعات در حد مطلوبی فعال است البته محور " سیاسی " آن بیشتر حالت غیرمستقیم دارد .

فان (Fun) : تعداد اهنگ های رپ فارسی در این ژانر اندک است . ژانر فان یا همان طنزمحور که در آن میتوان موضوعات مختلفی را با لحنی طنز و طعنه آمیز بیان کرد .

داستان سرایی (Storytelling): بر روی این ژانر نیز در ایران کم کار شده است . ژانری که روایت موضوعات مختلف به صورت داستانی را پیشه میکند . در این ژانر رپکن به عنوان راوی میتواند داستان را حول ضمایر اول شخص (من) ، دوم شخص (تو) و سوم شخص (او) بیان کند . این ژانر دارای قابلیت پرداختن به موضوعات مختلف است و محدود به موضوع خاص یا فضای خاصی نیست .

مفهوم گرا : به نوعی مکمل ژانر " اعتراضی – سیاسی " است .محوریت ان به طورکلی" جهان بینی ، مشکلات فرهنگی ، انتقاد ، دین و مذهب ، سیاست های حاکم بر جهان و به چالش کشیدن دیگر مسائل فکری و اعتقادی " میباشد . نحوه ی بیان نیز گاهی رُک و گاهی غیرمستقیم است . فضای حاکم بر این مدل آهنگ ها دارک " Dark " ، وهم آلود ، مبهم و گاها خشن است .

اینها موضوعات و ژانر های نسبتا رایج در رپ فارسی اند ، خوشبختانه رپ برای انتخاب موضوع و محتوا دارای محدودیت نیست و جا برای نوآوری و خلاقیت فراوان است . حال انکه با ژانر ها و موضوعات نسبتا رایج آشنا شدیم برای تکمیل و اتمام بحث محتوای لیریک ، به بررسی ابزار محتوا میپردازیم .

ابزار محتوا

اعمال ، ابزار ، نیاز ها و ترفند هایی که سبب هر چه غنی تر و زیباتر شدن محتوای لیریک رپ میشوند . آرایه های ادبی یا همان ترفند ها و فنونی که سبب زیباتر شدن شعر میشوند ، نقش بسزایی در غنی تر شدن محتوای لیریک دارند ، این آرایه ها به دو بخش لفظی و معنوی تقسیم میشوند .

آرایه های لفظی

واج‌آرایی : تکرار یک واج یا حرف در یک بیت به طوری که سبب ایجاد نوای موسیقیایی شود .

مثال => آره بچسب به علم ببین ب م و (BMW) چند اسب بخاره (۸ تا ب / قاف – مغز)

مثال => م ، مثل مرگ معرفت به مردم / مردن مرام و مرفین و مرد مست الکل (علی سورنا – مجنون شهر)

جناس تام : آوردن دو کلمه مشابه از لحاظ تلفظ و املاء در لیریک با معانی متفاوت

مثال => دروغ این همه ، یه کم راست بگو / از کی سبقت میگیری از راست برون (رض - بیدار شو)

جناس لفظی : شباهت از نظر تلفظ و بیان - اختلاف در معنا و نوشتار

مثال => شبا ارازل میکشن سرک / هر از گاهی دنبال طعمه ان (تو من) (فدایی – ناجی)

آرایه‌های معنوی

مراعات النظیر : آوردن دو یا چند واژه در یک بیت یا عبارت که در خارج از آن بیت یا عبارت نیز رابطه‌ای آشنا و خاص میان آنها برقرار باشد

مثال => احمق من نیاز به دفتر ندارم وقتی مغزت تختست اصلا بر فرض خارجم ولی بیشتر ازت واردم اره من؛همیشه حاضرم اهل غیبت نیستم مثه توئه خاله زنک

ایهام : استفاده از یک واژه که دارای دو معنی است ، اولی معنای نزدیک به ذهن و دیگری معنای دور از ذهن ... ایهام انواع مختلفی دارد که پرکاربرد ترین آن همان ایهام ساده است که گاهی اوقات با جناس تام اشتباه گرفته میشود .

مثال => زندگی سرتا ته درده پس تو قرص باش | قرص : محکم – قرص : مُسَکِن خوردنی (فدایی – زندگی)

تضاد : هر گاه دو واژه با معنای متضاد در یک بیت یا عبارت به کار رود آرایه تضاد پدید می‌آید.

مثال => بگو راست بگو چپ / بگو داغ بگو سرد بگو شاد بگو تلخ (علی سورنا – مجنون شهر)

عکس (قلب) : هرگاه در یک بیت یا عبارت بین دو مورد (مثل «الف» و «ب») رابطه‌ای برقرار کنیم و مثلاً بگوییم«الف»، «ب» است یا «الف»، «ب» را آورد و در بخش دیگری از همان بیت یا عبارت بین آن دو مورد همان رابطه را برقرار کرده اما جای ان دو را با هم عوض کنیم آرایه " عکس " شکل می‌گیرد.

مثال => گفتی یه دنیا سلول تو بدنه هر ادمه-اما من دیدم کلی بدن توی سلول (علی سورنا - حالا وقت خواب نیست)

اغراق (مبالغه) ، استعاره ، متناقض‌نما (Paradox) ، قیاس (مقایسه) ، تلمیح (اشاره) ، تضمین ، لف و نشر ، حسن تعلیل ، مثل ، تشبیه ، مجاز ، کنایه ، تشخیص (جان بخشی) ، حس‌آمیزی و دیگر آرایه های ادبی که سبب زیباتر شدن لیریک میشود و بی شک برای اکثر آنها نمونه های در لیریک رپ نیز یافت میشود .

وردپلی (WordPlay) : بازی با کلمات نیز مانند آرایه های ادبی کاربرد فراوانی در محتوای لیریک دارد .

مثال : عاشق الفبا ، سین ت قاف،لام الف بعدش لام |جمع این حروف میشود : استقلال| (سروش هیچکس – عاشقم)

مثال : خودتو نباز اصلا" گِه (اصلا" – اص لنگه) جنس ضدت نباش گاه (نباش – نه باشگاه) مردت میکنه نه مواد

تصویرسازی : بی شک اینکه یک رپکن بتواند فضای آهنگ و لیریک را بگونه ای بسازد که ذهن شنونده با شنیدن آن درگیر تصویرسازی شود سبب دلنشین و زیبا تر شدن یک آهنگ میشود . به همین دلیل تصویرسازی نیز از ابزار پرکاربرد محتواست .

تیکه کلام : استفاده و تکرار یک واژه یا عبارت جالب به منظور باب شدن آن - مثال : زاخار ، الله وکیلی ، ملتفتی ؟؟

فرهنگ لغت گسترده : از حیاتی ترین نیازهای لیریک رپ ، کلمات متنوع است . اگر رپکن در ذهن خود بتواند لغات فراوانی را پرورش بدهد محتوای لیریک او نیز پربار تر میشود .

لیریکی که بتواند هم از نظر محتوا و هم از نظر فنی شنونده را جذب خود کند را میتوان یک لیریک کامل خواند . هر یک از گفته های بالا میتوانند در صورتی که درست و در جای مناسب بکار گرفته شوند به کامل شدن لیریک کمک کنند . البته نباید اشتباه برداشت کرد که هر لیریکی نیازمند ایهام و جناس است یا هر لیریکی لازم است حتما داستانی باشد . با توجه به شرایط ، فضا و سبک آهنگ به کاربردن هر کدام میتواند مفید باشد .

فلو (Flow)

فلو ، ترکیبی است از دو عنصر ریتم و رایم

ریتم (Rhythm) – به نقل از کتاب " تحلیل ردیف موسیقی ایران " ریتم عبارت از گردش و دور زمان ها و کششهای نت ها یا نغمه های موسیقی است که باهم متناسب بوده و با نظم و ترتیب معین از نظر کمیت و کیفیت ، جریان میابند . به بیان ساده تر در موسیقی به تکرار مستمر یک فرآیند پایدار در زمان مشخص "ریتم" گفته میشود .

رایم – همان "قافیه" است ، البته باید دانست که رایم تنها شامل قافیه های پایانی (قافیه آخر مصرع های موازی) نمیباشد و انواع قافیه (درونی ، قرینه و الی آخر) را شامل میشود . این را نیز باید در نظر گرفت که رایمینگ قوی سبب افزایش وزن ابیات نیز میشود .

شناور شدن بر روی بیت (Beat - Instrumental) با استفاده از رایمینگ مناسب و حفظ وزن لیریک ، در موازات آن سوارکردن سیلاب های تاکیدی لیریک با زمانبندی مناسب بر روی چهار ضرب اصلی که موجب ایجاد و حفظ ریتم میشود را فلو میگویند .

به طور کلی میتوان گفت که بخش اعظمی از فلو مرتبطست با نوشتن ، وزن و رایمینگ لیریک و حفظ آن نقش بسیار مهمی دارد . بخش مهم دیگر آن نیز اضافه کردن ریتم به لیریک است . کنترل صدا و نحوه ی بیان در اجرا تاثیر زیادی بر بهتر شدن فلو دارند . فلو میتواند آهسته (Slow) یا فست (Fast) هم باشد یعنی محدود به تمپوی خاصی نیست (برای مثال Snoop Dogg فلویی آهسته و پرمکث دارد ، فلوی Twista فست و رگباری است ، فلوی Rakim نیز سرعتی بین ان دو دارد)

از آنجایی که توضیح تئوری بحث فلو دشوار است پیشنهادی که برای درک بهتر فلو میشود ، گوش دادن (همراه با لیریک و دقت به ساختار آن) به آهنگ هایی است که در زمینه ی فلو غنی و پربارند . (Eminem – lose yourself برای شروع پیشنهاد میشود)

استایل (Style)

ترجمه واژه "Style" ، سبک و شیوه است ، عموما از این لغت در رپ فارسی برای " نوع بیان و سبک رپ کردن " استفاده میشود . مثلا برای تعریف نوع رپ کردن یا بیان یک آهنگ به زبان عامیانه ای گفته میشود " عجب استایل لشی " - " استایل کوبنده ای داره " ، استایل خشن (وحشی) ، استایل فان و ... هر رپکن نیز میتواند برای خود استایل منحصر به فردی داشته باشد یعنی میتواند با سبکی خاص خودش رپ کند .

تکنیک (technique)

ترجمه ی آن روش فنی ، شیوه ، شگرد فن میباشد . تکنیک در رپ برای عموم شنونده های فارسی یادآور " جامپ زدن - ریتمیک رپ کردن " است اما تکنیک زدن محدود به جامپ یا فست خوانی نیست . اکثر مواردی که بالا به عنوان ابزار لیریک معرفی کردیم در نوع خود میتوانند " تکنیک – تکنیک های لیریک " تلقی شوند . چیدمان متفاوت قافیه ها ، تنوع در ساختار لیریک ، Delivery ، کنترل تنفس ، دم و بازدم ، تغییر تن صدای رپکن ، تغییر

ریتم ، مکث کردن ، پیوستگی ، Triplets و قافیه بازی نیز از انواع دیگر تکنیک محسوب میشوند . به طور کلی تکنیک های مربوط به " رپ کردن " را میتوان به سه بخش " ریتم – رایم – اجرا " تقسیم کرد . بکار بردن این تکنیک ها در زمان و جای مناسب سبب زیبایی هر چ بیشتر یک آهنگ رپ میشود .

برای تعریف تکنیک رپ میتوان گفت : به شگرد ها ، روش ها و ترفند های فنی که بر روی هر یک از سه بخش (ریتم – رایم – اجرا) پیاده میشوند ، تکنیک رپ گفته میشود .

لازم است در پایان بخش این نکته را خاطرنشان شوم که ترکیب این فاکتورها (لیریک ، ریتم ، فلو ، آرایه ادبی ، تکنیک و الی آخر) باهم است که سبب خلق یک موزیک حرفه ای و زیبای رپ میشود و هیچکدام به تنهایی کاربرد خاصی ندارند . همچنین بکارگیری آنها نیز باید متناسب با فضا و ژانر آهنگ و در زمان و جای مناسب باشد . برای مثال بکاربردن تکنیک جامپ در یک اهنگ مفهومی با فضایی آرام و دارک نمیتواند زیاد جالب باشد . همچنین در این فضای پر تکرار رپ فارسی ، نوآوری و خلاقیت را نیز نباید فراموش کرد و به فضاها ، ژانرها ، موضوعات و محتویات نو و جدید باید بها داده شود . شنونده های رپ فارسی نیز باید با نقد های مناسب (با روش صحیح نقد کردن در بخش آشنا میشویم) و نپذیرفتن آهنگ های تکراری به این امر کمک کنند .

روش صحیح نقد و بررسی (Review)

بدون شک از اصلی ترین عوامل پیشرفت بشریت در هر زمینه ای ، وجود ابزاری بنام " نقد " بوده و هست . در پی هر نقد است که ((معایب – اشکالات – نقاط ضعف)) برطرف شده و درمقابل ((محاسن و نقاط قوت)) پررنگ تر میشوند . موسیقی رپ نیز از این قضیه مستثنی نیست و " نقد و بررسی " در آن دارای جایگاه ویژه ای است . ناگفته نماند که نقد صرفا بررسی نکات منفی و معایب یک مبحث نیست بلکه میتواند بررسی کلی نقاط قوت و مثبت یک مبحث را نیز شامل است .

تفاوت " نقد حرفه ای " با " نظر شخصی "

هر کسی میتواند در هر زمینه ای اظهار نظر کند اما هر کسی نمیتواند در هر زمینه ای " نقد " کند . انسان ها طبیعتا" این حق را دارند که در هرزمینه ای نظر و عقیده خود را بیان کنند البته به شرط آنکه به عنوان ((نظر شخصی و به دور از توهین)) باشد اما زمانی که بحث " نقد " به میان می آید ، لازم است اصول و چارچوب خاصی رعایت شود که از مهم ترین آنها میتوان به " تخصص " اشاره کرد . یعنی الزاماً ((منتقد)) در زمینه ای که میخواهد نقد کند باید دارای تخصص ، علم ، دانش و تجربه ی کافی باشد .

برای مثال یک نفر در صورتی که دارای دانش کافی در رابطه با " علم اقتصاد " نیست نمیتواند در مورد یک مسئله ی اقتصادی نقدی داشته باشد . البته میتواند نظر شخصی خود را در مورد آن مسئله بیان کند اما نمیتواند از آن به عنوان " نقد " یاد کند . البته منظور از دانش کافی صرفا دانشی که از طریق تحصیلات دانشگاهی و محیط های آکادمیک به دست می آید نیست و این دانش میتواند از طرق مختلف کسب شود .

سلیقه و تعصب

در کنار تخصص و دانش کافی ، رهایی از بند " سلیقه و تعصب " از اصول پایه ی یک نقد حرفه ای است . سلیقه میتواند در حد اعتدال ، دخیل در نقد باشد اما اینکه نقد تحت تاثیر قرار گرفته و محور اصلی آن " سلیقه " شود به هیچ وجه قابل قبول نیست . متاسفانه اکثر نظراتی که از طرف شنونده های رپ فارسی به عنوان نقد بیان میشوند ولواینکه از نظر فنی و تخصصی پربار نیستند ، اساس و محور اصلی آنها نیز " سلیقه " است که سبب کندی سرعت رشد و ترقی رپ فارسی میشود . همچنین بها دادن بیش از حد به ((سلیقه)) در بیان نقد ها سبب جهت گیری به سمت " تک محوری " شدن و کم رنگ شدن نقش " محتوای فنی " موسیقی رپ میشود .

اما در رابطه با تعصب ، به هیچ وجه دخالت دادن تعصب در یک نقد قابل پذیرش نیست . برای مثال یک شنونده به اهنگ های رپ دهه هشتاد آمریکا علاقمند است ، اگر این علاقه سبب آن شود که در نقد آهنگ های رپ دهه هشتاد احساسی و با دید کاملا مثبت به نقد و بررسی بپردازد و در مقابل اگر آهنگ های متعلق به بازه های زمانی دیگر را با دیدی منفی مورد نقد قرار بدهد نشان از تعصب است که موجب انحراف در نقد میشود . دیده آزاد ، باز و به دور از تعصب و عدم تاثیرپذیری از عوامل حاشیه ای نیاز یک منتقد حرفه ای و نقد خوب است .

دیگر ویژگی های یک نقد حرفه ای

a. هدف نقد خیرخواهانه و در جهت پیشرفت بحث باشد
b. نقد و بررسی مستقیم و واضح بیان شود
c. از پیچیدگی و بیان گُنگ و مبهم دور باشد
d. نقد نباید بیش از حد طولانی یا کوتاه باشد
e. عاری از توهین ، تخریب و هرگونه برخورد احساسی
f. نقد باید دارای استدلال و دلایل منطقی باشد
g. در صورت امکان راه حل و پیشنهاد برای اصلاح نکات منفی ارائه شود
h. انتخاب ادبیات مناسب با بحث مورد نقد
i. انعطاف پذیر باشد
j. پرهیز از افراط در بیان نقاط ضعف یا قوت
k. بیان نکات مثبت در کنار نکات منفی
l. عدم تاثیر پذیری از نظرات دیگر منتقدان و حواشی موجود

نقد یک آهنگ رپ

یک آهنگ رپ را میتوان به دو بُعد ((محتوایی - ساختار فنی)) تقسیم کرد . یعنی یک منتقد با توجه به اصول صحیح نقد کردن که پیش از این با آن آشنا شدیم میتواند یک آهنگ رپ را از دو بُعد ساختار فنی (شامل : ساختار لیریک – آهنگسازی – اجرا – فلو – استایل – تکنیک و ...) و بُعد محتوایی (شامل : فضای آهنگ – ارتباط حسی – عقاید بیان شده در لیریک – محتوای کلی آهنگ و ...) مورد نقد و بررسی قرار دهد .

برای نقد بُعد ساختار فنی یک آهنگ رپ ، آشنایی با مباحث فنی الزامیست و تنها یک موزیسین یا یک شنونده ی حرفه ای میتواند منتقد حرفه ای در این زمینه باشد اما مورد دوم به صورت پیشفرض نیازمند فراگیری دانش خاصی نیست و با توجه به محتوا ، فضا ، بیان و بحث مطرح شده مشخص میشود که منتقد باید در چ زمینه ای اطلاعات کافی داشته باشد تا نقد و بررسی انجام گیرد . نکته ی دیگر این است که منتقد باید متناسب با ژانر یک آهنگ اقدام به نقد آن آهنگ کند . برای مثال در یک آهنگ گنگ نباید به دنبال مفاهیم فلسفی باشد یا در یک آهنگ لاو به دنبال تیکه های اعتراضی - سیاسی . در آخر بازهم تاکید ویژه میشود بر کنارگذاشتن کامل تعصب و حفظ اعتدال در دخالت دادن سلیقه هنگام نقد و بررسی یک آهنگ رپ

سخن پایانی

این متن اولین تجربه نویسنده در زمینه نوشتار است و احتمال اشتباه و خطا در نگارش متن دور از ذهن نیست همچنین با توجه به محدود بودن منابع فارسی در رابطه با مباحث فنی موسیقی رپ ، احتمال میرود که در تعریف برخی از مفاهیم کوتاهی صورت گرفته یا اشتباهاتی رخ داده باشد . از همین جهت تقاضا میشود دوستانی که اطلاعات کامل تری از مباحث مطرح شده در اختیار دارند حتما با ما به اشتراک بگذارند تا در نوشتارهای بعدی اصلاح و درج شوند . مباحثی چون ژانرهای موسیقی هیپ هاپ و انواع تکنیک که به طور کامل به آنها پرداخته نشد در بخش های بعدی " شین مثل شنونده " به صورت جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد . درنهایت از زمانی که برای مطالعه این متن گذاشتید تشکر میکنم

به امید لحظه هایی عاری از غم و اندوه و سرشار از آرامش و شادی و نشاط

علیرضا – ۱۳۹۳/۷/۶

منابع

Wikipedia (En – Fa)

How To Rap Art Science Of Hip Hop (Book)

The Rapping Manual (Book)

genius.com

hiphopdx.com

انجمن سایت رپسانگ